



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال اول / شماره چهارم / تابستان ۱۳۹۹



نقش مبانی فقه تمدن ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت بر اساس منظومه فکری مقام معظم

رهبری (مدظله العالی)

علی کارشناس^۱

(۱۱۲-۱۲۸)

چکیده

فقه تمدن ساز اسلامی، رویکردی کلان به همه ابواب فقه است که مجموعه احکام اسلامی را در بُعد تمدنی در برمی گیرد. فقه تمدن ساز اسلامی، از فقه حکومتی و فقه نظام سازی جدا نیست بلکه اگر بتوان برای فقه حکومتی نامی دیگر برگزید، قطعاً فقه تمدنی و فقه نظام سازی مناسب ترین خواهد بود. فقه تمدنی، مبتنی بر یک سری مبانی است که از جمله آن می توان به فطرت توحیدی، عقلانیت و خردورزی، جامعیت دین اسلام، نظام ولایت، امت واحد، تدین و قانون الهی اشاره کرد. این مبانی به خوبی در کلام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافته است. این مقاله، بر این هدف است که نقش فقه تمدن ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری و با بهره گیری از روش توصیفی- تحلیلی بررسی نماید. یافته این مقاله این است که فقه تمدن ساز اسلامی، در منظومه فکری دیدگاه مقام معظم رهبری، فقهی تمدنی و دارای شمولیت و جامعیت بوده، ظرفیت تشکیل تمدن نوین اسلامی را دارا است.

واژگان کلیدی: فقه، تمدن، فقه تمدن ساز، وحدت و مقام معظم رهبری.

^۱- استادیار فقه و اصول پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع) - abde1@chmail.ir

مقدمه

ضرورت توجه به مبانی فقه تمدن ساز اسلامی، مورد توجه هر مسلمان متعهدی است؛ فقه نظام سیاسی شیعه با تحقق انقلاب اسلامی؛ توان خود را جهت مدیریت این جریان به صحنه آورده است تا دیگر شاهد گسستگی در میان مسلمانان روبه‌رو نباشیم. در فضایی که سایه فرهنگ مدرنیته همه ذهن‌ها را فراگرفته است؛ شناخت و تبیین چیستی مبانی فقه تمدن ساز اسلامی و نقش آن در وحدت امت اسلامی از جایگاه بسزایی برخوردار است. با توجه به پیشرفت روزافزون جامعه اسلامی، دشمنان با ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت در میان مسلمانان، سعی در خدشه دار شدن مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی دارند؛ از این رو، تبیین مبانی فقه تمدن ساز اسلامی ضروری می‌نماید؛ چرا که علاوه بر تأمین نیاز علمی در این زمینه، دارای فواید عملی و آرمانی است؛ با توجه به نظریه جهانی سازی غرب و تلاش آن، برای سیطره فرهنگی بر جوامع اسلامی؛ تنها راهکار و راهبرد نظری ما در برابر استیلای تمدن غرب، شناخت و آگاهی از تمدن نوین اسلامی است که نقشی مهم و اساسی در تحقق وحدت امت اسلامی ایفا می‌کند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که نقش مبانی فقه تمدن ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری چیست؟

آیا پیش از این، به این سؤال پاسخی داده شده است؟ جان احمدی در کتاب «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» با رویکردی تاریخی به بحث تمدن اسلامی نگریسته است، دکتر ولایتی نیز دستاوردهای تمدن اسلامی را در کتاب «فرهنگ و تمدن اسلامی» بحث کرده است. «تمدن برتر» اثر دکتر موسی نجفی. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین دغدغه‌های دکتر موسی نجفی این است که باید از مرحله نظام سازی به تمدن سازی برسیم، به طوری که این دغدغه را در بسیاری از آثار ایشان می‌توان دید.

ایشان در قسمتی از تمدن برتر گفته است: "اگر ما به سمت تمدن اسلامی حرکت نکنیم، بیم آن می‌رود که در مرحله نظام سازی متوقف شویم. امروزه در گستره جهانی شدن و فراگیری مدرنیته، نظام ایده آل، لیبرال دموکراسی و در کل مدرنیسم، تمدن غربی است. حال اگر بخواهیم نظام سیاسی اسلامی مطلوب داشته باشیم نمی‌تواند بدون پشتوانه تمدن اسلامی باشد. به بیان بهتر، ما بین دو حلقه تمدنی گذشته و آینده قرار گرفته ایم. یکی از کارکردهای انقلاب اسلامی وصل کردن این دو حلقه تمدنی به یکدیگر بوده است. به این معنا که انقلاب اسلامی خواسته گسستگی مدرن را به پیوستگی اسلامی تبدیل کند.

موسی نجفی در این اثر و کتاب «انقلاب فرامردن و تمدن اسلامی» با استفاده از مصاحبه و زبان گفتگو سعی در بیان اندیشه های خود دارد. نویسنده علت اصلی پرداختن به مقوله تمدن اسلامی را این می داند که بحث تمدنی و افق تمدنی داشتن برای انقلاب اسلامی در دهه چهارم جزء مهم ترین دغدغه ها و سیاست های فکری و افق های اصلی خواهد بود. هر چند در این کتاب به لزوم تمدن برای رسیدن به نظام سیاسی مطلوب و همچنین به لزوم حرکت به سمت تمدن اسلامی اشاره شده است اما الزامات و ظرفیت های تمدن اسلامی مخصوص ایران اشاره ای نشده است.

«تمدن زایی شیعه» اثر استاد اصغر طاهرزاده است. در این کتاب تبیین شده است که انقلاب اسلامی به دلیل رویکرد خاصش به عالم غیب و غیب عالم با مبانی نظری تمدن غرب که صرفاً نظر به ماده و مادیات دارد، در تعارض است، ولی بعضاً این تعارض را در ابتدالات اخلاقی نظیر مشروبات الکلی و سکس و امثال آن می دانند و لذا غرب را در جبهه مدنیته پذیرفته اند و در نتیجه به شدت از توانایی آرمان های انقلاب اسلامی در ساماندهی نظام مدنی مخصوص به خود غافل گشتند. این سلسله نوشتار درصدد تبیین این غفلت و توجه به راه کارهای تحقق تمدن اسلامی است.

این کتاب تاکید دارد که انقلاب اسلامی عامل گذار از مدرنیته به تمدن اسلامی است و در این راستا مسئولیت مضاعفی را باید بر دوش خود احساس کرد که آن اولاً؛ حفظ انقلاب اسلامی و ثانیاً؛ سیر و حرکت انقلاب تا نقطه مطلوب یعنی تحقق تمدن اسلامی است. لازم به ذکر است که این مباحث در عین آن که می تواند جنبه مستقلی داشته باشد، نسبت به مباحث کتاب های گزینش تکنولوژی از دریچه ی بینش توحیدی و علل تزلزل غرب و فرهنگ مدرنیته و توهم جنبه تکمیلی دارد و جواب گوی سؤالاتی است که با مطالعه کتاب های مذکور پیش می آید.

استاد در این اثر توانایی آرمان های انقلاب اسلامی در ساماندهی نظام مدنی مخصوص به خود را تبیین نموده و برخی راه کارهای تحقق تمدن اسلامی را طرح نموده است اما به نظر می رسد علاوه بر موارد مذکور الزامات دیگری برای تحقق تمدن اسلامی و همچنین ظرفیت های بیشتری برای تحقق این تمدن وجود دارد که لازم به ذکر می باشد. (طاهرزاده، ۱۳۸۹: همه صفحات)

کتاب «احیای تمدن ایران اسلامی» اثر دکتر مهدی سنایی در پنج فصل تهیه شده است، در فصل اول نخست به طرح دیدگاه ها و نظریه های مرتبط با فرهنگ و تمدن اختصاص داده شده است و دیدگاه های اندیشمندان نظیر ابن خلدون، اسوالد اسپینگر، ویکو، هردر، هگل، توین بی و هانتینگتون مورد

بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم به تمدن ایران اسلامی و مظاهر علمی، فرهنگی، هنری، و... و اندیشمندانی نظیر فردوسی، فارابی، ابن سینا، ابوریحان بیرونی، غزالی، خواجه نظام الملک، خواجه نصیر طوسی اشاره کرده است.

در فصل سوم علل افول تمدن ایرانی اسلامی از نظر ذهنی، فرهنگی، اقتصادی و مداخله خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم به مرور ایده ها و طرح های تمدن سازانه از سوی اندیشمندان و حکمرانان ایرانی در وجه مذهبی و غیر مذهبی پرداخته شده است. در فصل پنجم نیز راه کارهای داخلی و خارجی احیای تمدن ایرانی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، مؤلف تلاش کرده است طرح مشخصی برای احیای تمدن ایرانی اسلامی عرضه نماید. هر چند نویسنده با بررسی به تمدن ایران اسلامی و مظاهر علمی، فرهنگی، هنری و اندیشمندان این حوزه و علل افول تمدن ایرانی اسلامی به برخی از الزامات و ظرفیت های فرهنگی تحقق تمدن اسلامی اشاره کرده ولی همچنان لزوم بررسی مجموعه الزامات و ظرفیت های در این خصوص احساس می شود.

هیچ یک از منابع مذکور مسئله نقش مبانی فقه تمدن ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت را مورد کنکاش و بررسی قرار نداده اند. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای است.

مفهوم شناسی

الف-فقه: «فقه» در لغت به معنای فهم عمیق (جزایری، ۱۳۹۱: ۱۷۶)، دانایی (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳: ۵۲۲) است و در اصطلاح، آگاهی از احکام شرعی از طریق استنباط آن از دلایل است (ابن مکی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۰)

ب- تمدن: «تمدن»^۱ در لغت به معنای شهرنشینی است (امین، ۱۴۲۵: ۱۱) و در اصطلاح، به معنای ایجاد نظام های اجتماعی، مبتنی بر فرهنگی ویژه است. (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

فقه تمدنی: فقه تمدنی رویکردی کلان نسبت به فقه، در مقیاس جهانی است که غایت ساخت جامعه توحیدی جهانی بر محور شریعت الهی را بر عهده دارد. «فقه تمدنی» مفهومی نوپیدا است که برای درک آن لازم است نسبت فقه و تمدن روشن گردد؛ اکنون به بررسی دیدگاه های گوناگون پیرامون رابطه و نسبت فقه و تمدن می پردازیم:

1. Civilization

پیرامون تمدن و نسبت فقه با آن، گستره ای از نظریات متصور است که در این میان سه نظریه بیشتر در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است:

اول- تعارض فقه و تمدن: آقای عبدالکریم سروش نافی ارتباط فقه و تمدن است؛ وی تمدن را عهده دار زندگی مادی و فقه را عهده دار امور اخروی انسان می داند. (سروش، ۱۳۷۸: ۱۳۷)

دوم- ترابط حداقلی فقه و تمدن: آقای محمد مجتهدشبهستری نقش فقه را، صرفاً نظارت بر نحوه زندگی اجتماعی و تمدن انسانی دانسته و قدرت حاکمیت فقیه و نقش ولایی آن را در راستای تکامل جامعه، مردود می شمارد. (مجتهدشبهستری، ۱۳۷۶: ۸۸)

سوم- ترابط حداکثری فقه و تمدن: گروه دیگر از جمله آیت الله محسن اراکی، نقش فقه در تمدن سازی، هدایت و تکامل زندگی اجتماعی را نقشی فراگیر می دانند و معتقدند، فقه، بنیان و شالوده اصلی تمدن سازی است. (اراکي، ۱۳۹۱: ۳۰)

مبانی فقه تمدن ساز اسلامی

مهم ترین مبانی فقه تمدن ساز اسلامی که عناصری وحدت آفرین در میان امت اسلامی به شمار می آیند، به شرح زیر است:

۱. فطرت توحیدی: فقه تمدن ساز اسلامی مبتنی بر فطرت توحیدی^۱ است؛ هویت حقیقی انسانها ریشه در فطرت آنها دارد. از این رو، هر هویتی که با ویژگی های فطری و وجودی انسان سازگار باشد، از اصالت و قوام برخوردار است. (بهروزلك، ۱۳۸۸: ۱۴۳) فطرت در میان آحاد امت اسلامی، پیوند برادری برقرار می نماید. نتیجه بدیهی این فطرت توحیدی، روحیه تسلیم پذیری و عبودیت در سایه ارتباط و اتصال با حق تعالی است (سخنرانی رهبری در ۷ اردیبهشت ۱۳۶۹) روح عبودیت و احساس بندگی در برابر خداوند، عبارت است از این که انسان از تنها خدا و رسول (صلی الله علیه وآله) و اوصیای الهی (علیهم السلام) را اطاعت کند و در مقابل غیرخدا، جبهه بندگی به زمین نساید و این ترجمان فطرت توحیدی انسان است (سخنرانی رهبری در ۲۱ مهر ۱۳۸۵) این فطرت و سرشتی الهی انسان که همسو و هماهنگ با سنن و قوانین حاکم بر نظام هستی است، انسان را با شتاب هر چه بیشتر به سوی

۱- « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ. (روم: ۳۰)؛ پس، روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار.

تعالی و تکامل و از آن جمله ایجاد تمدن نوین اسلامی سوق می‌دهد. این فطرت توحیدی است که دست جهالت را از جهان هستی برمی‌چیند و با کنار زدن نظام‌های غیر انسانی، نظام تمدن ساز اجتماعی را در متن جامعه پدید می‌آورد.

به باور علامه طباطبایی نیز، دین که همان سنت حیات است؛ راه و روش سعادت انسان را به وی رهنمون می‌شود؛ این سعادت، هدف و آرمان فطری همه موجودات است، انسان نیز، با پایبندی به آیین فطری حنیف به سوی مسیر اصلی خود حرکت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۷۸) فطرت الهی انسان، همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم و فطرت توحید نام می‌نهد که استعدادهای انسان تمدن ساز را شکوفا می‌سازد.

در حقیقت فطرت، نقشی محوری در تنظیم حیات انسان و به‌کارگیری قوای عقلانی و تجربی و استمداد از کلام و حیانی ایفا می‌کند. فطرت به مثابه جوهره وجودی انسان، اصول و ارزش‌های انسانی را به صورت ثابت و پایدار حفظ می‌کند و انسان را به سوی ساخت تمدن نوین اسلامی سوق می‌دهد. (اختر شهر، ۱۳۸۵: ۳۶) تمدنی توحید محور که با اعلان ربوبیت خداوند متعال انسان‌ها را از بندگی غیر خدا رها ساخته و به سوی عدالت همه جانبه رهنمون می‌شود؛ عدالتی که ظهور خجسته حضرت مهدی (علیه السلام) طلعه آن است.

۲. عقلانیت و خردورزی: فقه تمدن ساز اسلامی مبتنی بر عقلانیت و خردورزی است؛ وهم، حس و خیال عناصر مشترک تمدن غرب است که سبب سقوط انسان به سراب حیوانیت می‌گردد؛ ولی عقلانیت و خردورزی که همواره مورد تأکید اسلام و اولیای اوست، پایه و اساس قوام بخش اجتماع تمدنی اسلامی است؛ در آیین اسلام، میان احکام و دستورات عقل و شرع، تلازم و هماهنگی وجود دارد که از آن تحت عنوان «قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع»^۱ یاد می‌شود. حکومت امام مهدی علیه السلام که منتهای اوج و اعتلای تمدن نوین اسلامی است؛ مبتنی بر عقلانیت، حکمت و خردورزی است.^۲

۱ - «كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشُّرْعُ وَ كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الشُّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۱۶: ۱۸۲)؛ هر چه را عقل حکم کند، شرع بر طبق آن حکم می‌کند و هر چه را شرع فرمان دهد، عقل نیز به آن فرمان می‌دهد.

۵۲ - امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمود: « هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و به واسطه آن، عقلاشان جمع شده و افکار و اندیشه‌شان کامل می‌شود. » (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ۳۲۸).

مقام معظم رهبری نیز عقلانیت را یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن اسلامی دانسته، می‌فرماید: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام» (سخنرانی رهبری در ۲۹ تیر ۱۳۸۸) به باور مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی نیازمند تربیت عقلانی است. (همان)

کار انبیاء چنین است که با استعانت از عقل، جامعه انسانی را به سوی سعادت و نظام تمدن ساز اسلامی سوق داده و زندگی و جامعه‌ای عقلانی و وحیانی به وجود آوردند و زمینه و فرصت شکوفایی و رشد و به فعلیت رسیدن استعدادها و توانمندی‌های تمام افراد بشر را فراهم سازند. (قنبری، ۱۳۸۶: ۶۲)

۳. جامعیت دین اسلام: فقه تمدن ساز اسلامی، فقهی جامع و کلان نگر است؛ بدین معنا که هنگام صدور قانون و احکام شرعی، ابعاد کلان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را ملاک نظر قرار می‌دهد و همه جنبه‌های مادی، معنوی، فردی و اجتماعی زندگی انسان را در برمی‌گیرد؛ بدین منظور از دو دسته از قوانین یعنی قوانین ثابت و متغیر و راهکار اجتهاد بر اساس مصالح و مفاسد کلان اجتماعی بهره می‌جوید.

بر اساس روایات، حکم و تکالیف الهی در حق همه انسانها یکسان است. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵: ۱۸) همچنین «احکام اسلام محدود به زمان و مکان خاصی نیست و تا ابد باقی و لازم‌الاجرا است.» (موسوی خمینی، ۱۴۰۹: ۲۵) به همین دلیل، اسلام در کنار قوانین و احکام ثابت، دارای یک سلسله مکانیزم‌هایی است که مایه پاسخگویی به نیازهای متغیر انسان، متناسب با مقتضیات زمان می‌گردد. دین اسلام، برای هر مسأله جدیدی که در تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود، راهکار دارد و این امر به جامعیت قوانین اسلام باز می‌گردد.

به باور مقام معظم رهبری، تربیت روحانیان دارای شخصیت روحانی مانند امام (ره) که دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی بوده و توان پاسخگویی به شبهات شبهه‌افکنان را داشته باشند، حرکت عظیمی در جامعه اسلامی ایجاد خواهد آمد و آن‌گاه خورشید فروزان تمدن اسلامی از این نقطه از عالم بر فضای فکری جهان بشری پرتو افکن خواهد شد. (سخنرانی رهبری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۵)

۴. نظام ولایت: نظام ولایت یکی از دو رکن اصلی نظام تمدنی اسلام است؛ ولایت، همان انسجام و ارتباط قوی میان عناصر مسلمان و یکپارچگی و یک جهت بودن جامعه اسلامی است اراده الهی براین

تعلّق گرفته است که حاکمیت خویش را در زمینه تدبیر و اداره سیاسی جامعه به انسان‌هایی واگذار کند که تجلّی اراده اویند، هرچند این تفویض از قدرت و حاکمیت او نمی‌کاهد؛ این انسان‌هایی برگزیده «پیامبران و امامان (علیهم السلام)» و نیز ولی فقیه در عصر غیبت است. حاکمیت در نظام جهانی قرآن به دست رهبر برگزیده الهی است که از جانب او اعمال حاکمیت می‌کند. حاکمیت امام به معنای حاکمیت قانون، عدالت، حق و معنویت است. جهان تحت حاکمیت الهی امام به جهانی معنوی تبدیل می‌شود که همگان را در مسیر تکامل و تعالی قرار می‌دهد. امام، قطب آرمانی و فکری جهان است،^۱ که نماد و نماینده حاکمیت الهی در جهان هستی است و همه ملت‌ها را به مثابه «امت واحد» به سوی رشد و کمال سوق می‌دهد. (جمالی، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

اصل «ولایت»، ایجاد میلیون‌ها رابطه دینی میان دلهای مردم با محور و مرکز نظام که ولی جامعه اسلامی است (سخنرانی رهبری در ۵ مرداد ۱۳۷۹) در حقیقت ولایت، سبب اتصال جدایی‌ناپذیر اعضای جامعه اسلامی با محور نظام ولایی (ولی) است. ولایت و امامت به مثابه دست مقتدر ولایت الهی، نظام بخش مسلمانان است که بدون آن، مجموعه معارف و مناسک اجتماعی دین، جز کالبدی بی روح، نخواهد بود.

۵. امت واحد: از دیگر ارکان فقه تمدن ساز اسلامی، ایجاد امت واحد اسلامی است. امت در نظام جهانی اسلام نویددهنده جامعه‌ای متکامل است که حول محور ولایت رهبری عادل الهی شکل می‌گیرد؛ از این رو قرآن کریم از حضرت ابراهیم به مثابه یک امت یاد کرده است (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: ابراهیم امتی فرمانبر خدا بوده و از مشرکان نبود. (نحل: ۱۲۰)) براساس آیات قرآن کریم، برخی پیامبران با نقش امامت و رهبری الهی همراه با پیروان شان یک امت را تشکیل می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۴: ۲۵۸) که از آن جمله حضرت ابراهیم (علیه السلام) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است. چنان که خداوند متعال درباره امت اسلامی می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ: و البتّه این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید.» (مؤمنون: ۵۲)

۱ - امام، قطب ایدئولوژیک نظام جهانی اسلام، از طریق گزینش الهی و بیعت مردمی، سکان هدایت جامعه بشری را به عهده دارد. امیرمؤمنان امام را به «قطب الرّحّا»، یعنی محوری که سنگ آسیاب به دور آن می‌چرخد، تشبیه فرموده است: «وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا» (نهج البلاغه، خطبة ۳)؛ درحالی‌که او (خلیفه) نیک می‌دانست که موقعیت و نقش من (امیرمؤمنان) چون قطب در سنگ آسیاب است.

علامه طباطبایی، وحدت جهانی جوامع انسانی را در گرو روی آوردن به اسلام می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۴: ۱۳۱-۱۳۲) از دیدگاه مقام معظم رهبری، وحدت امت، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌های گوناگون بر محور اسلام و اعتصام به «حبل‌الله»^۱ است. (پیام رهبری در ۲۳ تیر ۱۳۶۸) از این رو، جامعه اسلامی باید در مقابل دشمنی‌ها دست واحدی باشند که این مطلب از آیه «أَذِلَّةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةً عَلَى الْكَافِرِينَ: در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.» (مانده: ۵۴) و نیز آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ: محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.» (فتح: ۲۹) استفاده می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۶۰-۵۸)

به گفته ابراهیم الجعفری - نخست وزیر اسبق عراق - جهان اسلام در حال حاضر در پنج بحران به سر می‌برد، این بحران‌ها شامل بحران سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و بحران دیدگاه‌ها و تئوری هستند. باید بدانیم که این پنج بحران به دلیل دو بحران اصلی اراده و عدم تئوری مناسب است. اگر انسان‌ها اراده لازم را نداشته باشند می‌میرند. هر امتی باید با اراده و خواست خود سرنوشت خود را مشخص کند و آنچه اراده را قوی می‌کند ایمان به خداوند است. امروز همه ما نیازمند وحدت هستیم، تنها عامل اصلی پیروزی وحدت است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) زمانی که می‌خواست دنیا را ترک کند خطاب به امت فرمود که من کتاب خود و خاندانم را در میان شما باقی می‌گذارم، هرگز نباید این دو را، کنار بگذارید که در غیر این صورت روی خوشبختی را نخواهید دید. همه مصیبت‌های جهان اسلام به این دلیل است که این دو را کنار گذاشته‌اند یا یکی از آن دو را قبول ندارند. امیدواریم این اجلاس بتواند گام‌های عملی برای ترفیع جایگاه امت اسلامی نیز داشته باشد. (جعفری، سایت شفقنا، ۶ دی ۱۳۹۴)

ارکان وحدت در نظام تمدن ساز اسلامی عبارتند از: وحدت امت، وحدت الوهیت و بندگی، وحدت ولایت، وحدت اطاعت سیاسی، وحدت برائت، وحدت مسئولیت و نظارت همه جانبه، وحدت مصونیت و حرمت (آصفی، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۶؛ آصفی، ۱۴۳۰: ۱۵۱-۱۵۷).

۱. وحدت امت که همان وحدت میان مسلمانان در امت اسلامی است در آیه ۵۲ سوره مؤمنون و آیه ۹۲ سوره انبیا آمده است:

« وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ: هر آینه این دین (امت) شما دینی (امتی) است واحد، و من پروردگار شمایم؛ از من بترسید. » (مؤمنون: ۵۲)

« إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ: این شریعت (امت) شماست، شریعتی (امتی) یگانه و من پروردگار شمایم، مرا بپرستید. » (انبیا: ۹۲)

۲. وحدت الوهیت و بندگی در آیه ۳۱ سوره توبه آمده است:

« وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ: مأمور بودند که تنها يك خدا را بپرستند، که هیچ خدایی جز او نیست. منزه است از آنچه شریکش می سازند. » (توبه: ۳۱)

۳. وحدت اطاعت سیاسی به معنای پیروی همه گروهها از ولی فقیه در عصر غیبت است، زیرا اطاعت از ولی فقیه که نائب امام زمان (علیه السلام) است، سبب وحدت مسلمانان می شود:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولو الامر خویش فرمان برید. و چون در امری اختلاف کردید اگر- به خدا و روز قیامت ایمان دارید- به خدا و پیامبر رجوع کنید. در این خیر شماست و سرانجامی بهتر دارد. » (نساء: ۵۹)

۴. وحدت برائت به معنای جدایی کامل از دشمنان خدا، دشمنان رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، دشمنان جانشینان ایشان (علیهم السلام) و دشمنان امت اسلامی و دین الهی است:

« قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ: بگو: ای کافران، من چیزی را که شما می پرستید نمی پرستم و شما نیز چیزی را که من می پرستم نمی پرستید و من پرستنده چیزی که شما می پرستید نیستم و شما پرستنده چیزی که من می پرستم نیستید. شما را دین خود، و مرا دین خود. » (کافرون: ۱-۶)

۵. وحدت مسئولیت و نظارت همه جانبه؛ بر اساس آیات و روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) روشن می شود:

« كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ: شما بهترین امتی هستید از میان مردم پدید

آمده، که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است. بعضی از ایشان مؤمنند ولی بیشترین تبهکارانند.» (آل عمران: ۱۱۰)

۶. قانون الهی: از جمله مبانی فقه تمدن ساز اسلامی، قانون الهی است؛ در حقیقت، باور به محوریت قوانین قرآن از پیش فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۴۴۹) منبع قانون الهی که در میان امت واحد اسلامی و در همه زمانها مشترک بوده^۱ قرآن کریم است؛ به دلیل آنکه انسان مدنی بالطبع است، ناگزیر نیازهای خویش را با تشکیل نظام اجتماعی پاسخ می‌گوید؛ تعارض و تراحم میان نیازهای بشر و فرابشری بودن قانون الهی، لزوم و ضرورت حاکمیت این قانون را برای ساخت تمدن اسلامی مدلل می‌سازد. (سبحانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۴-۳۰) این قانون جامع، همان قانون تمدن ساز قرآن کریم است که مبتنی بر آگاهی بخشی نسبت به همه نیازمندیهای انسان، هدایت وی در بحران‌های فردی و اجتماعی است؛ خداوند سبحان در توصیف جامعیت قرآن کریم می‌فرماید:

« وَ لَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ: و درحقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش، روشن و شیوایش ساخته‌ایم، و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است.» (اعراف: ۵۲)

در منظومه اندیشه‌ای مقام معظم رهبری، تحقق تمدن نوین اسلامی، مبتنی بر «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» به ویژه قرآن کریم است. (سخنرانی رهبری در ۲۶ شهریور ۱۳۹۰)

رابطه میان مبانی فقه تمدن ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت

فطرت توحیدی در فقه اسلامی، راهبرد اساسی برای ایجاد وحدت میان آحاد امت اسلامی است؛ هر انسانی دارای یک «تن» و یک «جان»، و یک «جانِ جان» و یک «جانِ جانِ جان» است. «تن» هرکس که برایش مشخص است، «من» او همان «جان» او یا نفس حیوانی اوست، که عامل حیات و زنده بودن است، (طاهرزاده، ۱۳۹۱: ب: ۸۳) حیات زمینی مان هماهنگ با نظام هستی و بر مبنای فطرت انسانی تحقق یابد و در نهایت، زندگی و انتخاب‌های ما، بر ضد ما نباشد؛ همین امر، علت نیاز ما به دین و

۱ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِّمَانٍ دُونَ رِمَانٍ وَ لَا لِأَنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: زیرا خداوند تبارک و تعالی، قرآن را برای زمانی خاص و مردمی خاص نفرستاده است؛ پس قرآن تا روز قیامت در هر زمانی جدید و برای هر قومی تازه خواهد بود. (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۲۱۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۰)

شریعت است (طاهرزاده، ۱۳۹۱ج: ۵۲) دستورات شریعت برای محکم شدن اتصال فطرت یا عمق جان با خداوند متعال است. (طاهر زاده، ۱۳۹۱ب: ۸۴) پاسخ مناسب انسان به گرایش های فطری خویش؛ فطرت انسان را شکوفا می سازد؛ زیرا فطرت هر انسانی طالب «کمال مطلق» و حق و حقیقت است (همان: ۸۷) و والاترین کمال ها در پرتو تمدن نوین اسلامی که مبتنی بر شریعت اسلامی است؛ برای جامعه بشری حاصل می شود.

امام صادق (علیه السلام) در باره آیه فطرت می فرماید: «هِيَ الْإِسْلَامُ فَطَرَهُمُ اللَّهُ حِينَ أَخَذَ مِيثَاقَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ فَقَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَفِيهِ الْمُؤْمِنُونَ وَالْكَافِرُونَ: [آن فطرت] همان اسلام است که خداوند مردم را بر اساس آن سرشته است، آن هنگام که از آن ها بر توحید عهد گرفت و فرمود: آیا من رب شما نیستم و در آن شرایط مؤمن و کافر هر دو حاضر بودند.» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۲) بر این اساس، میان فقه تمدن اسلامی و عمل به شریعت در مقیاس تمدنی از سویی و فطرت و خودشناسی از سوی دیگر رابطه مستقیم وجود دارد. بدین معنا که فقه برنامه رسیدن به فطرت است و فطرت نیز ما را به عمل به احکام فقهی رهنمون می دارد.

عقلانیت و خردورزی، رکن رکن فقه تمدن ساز اسلامی است؛ فقه بدون ابزار عقل در دام جمود گرایی بر ظواهر و اخباری گری گرفتار می شود؛ در حالی که عنصر علم اصول فقه تمدنی در کنار فقه تمدنی اسلام، مبتنی بر خرد و عقل گرایی الهی است. رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم ترین بن مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷).

جامعیت دین اسلام، سبب جامعیت فقه تمدن ساز اسلامی است؛ از آنجا که دین مبین اسلام، همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حکومتی و تمدنی وی را مد نظر دارد؛ فقه تمدن ساز اسلامی نیز بر اساس نگاه کلان خویش علاوه بر جنبه های خرد زندگی، بر جنبه های کلان آن نیز تأکید دارد و بر اساس قاعده «نَفِي خُلُوِّ وَاَقْعَهَ از حُكْم»^۱ برای همه عرصه های زندگی بشری دارای استراتژی و راهبرد است.

۵۶ - بر اساس این قاعده شارع مقدس هیچ یک از عرصه های حیات بشری را بدون حکم رها نکرده است.

نظام ولایت، ریشه و اصل فقه تمدن ساز اسلامی است؛ چرا که حاکم نظام اسلامی در جایگاه «ولی امر»، فردی واجب الاطاعه است که اطاعت از وی هم ردیف اطاعت از خدا و رسول به شمار می‌آید. بر اساس اصل نظام ولایت؛ اسلام که آئین فطرت است و داعیه دار پاسخ به همه‌ی نیازهای فطری بشر است؛ یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر، نیاز به پیشوای عادل و شایسته و عاری از خطا، است؛ خداوند متعال برای راهبری دین اسلام، مردم را در حیرت رها نکرده و ولایت امت را مسکوت نگذاشته است و همواره مردم را از طریق پیشوای عادل راهبری نموده است (طاهرزاده، ۱۳۹۱: ۶۸) در زمان غیبت نیز، ولی فقیه جامع الشرایط که آگاه به مسائل کلان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، سکان دار اجرای فقه تمدنی اسلام است.

نظام ولایت با جهت دهی به فطرت مردم؛ آمان را به قرب الهی نزدیک می‌سازد؛ بدین گونه که انسان‌ها را با فطرت خویش هماهنگ می‌سازد و از این رهگذر آنان را به مقام قرب الهی می‌رساند (همان: ۱۴) امت واحد، رکن اساسی فقه تمدن ساز اسلامی است؛ زیرا وحدت، پایه و اساس فقه تمدنی اسلام، است دین مبین اسلام بر دو پایه توحید کلمه و کلمه توحید بنا نهاده شده است؛ توحید کلمه و کلمه توحید از بزرگ‌ترین مقاصد شریعت، توحید کلمه است؛ چرا که توحید کلمه زمینه ساز وحدت امت اسلامی و پیش نیاز تشکیل تمدن نوین اسلامی است.

قانون الهی، یعنی قرآن کریم، رکن فقه تمدن ساز اسلامی است؛ زیرا قرآن کریم از جمله مهم‌ترین منابع قدسی فقه است و قدسی بودن قانون در نظام تمدن اسلامی، لازمه عمل به آن است؛ خداوند قوانین اصیل حیات بشر را به وسیله پیامبران به بشر ارزانی داشته است؛ پیامبران با ارتباط با عالم قدس، مظهر اجرای آن قوانین هستند و بستری را فراهم می‌کنند که همه مردم، حاکمیت انسان‌های الهی را با تمام وجود پذیرا باشند و دیگر حکومت اکثریت مطرح نباشد، بلکه حکومت جان انسان‌ها در میان باشد. در چنین بستری نظر اکثریت به وحدت باز می‌گردد و از اصل و ریشه وحدانی منقطع نمی‌شود (طاهرزاده، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

اهمیت قوانین تمدن ساز قرآن کریم، در جامعیت آن و پاسخ‌گویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشری است. از این رو محوریت قوانین قرآن کریم، پیش فرض تمدن نوین اسلامی است. قرآن کریم، برترین منبع مشترک فرق اسلامی است و عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی، محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن کریم است. (سخنرانی رهبری در ۲۶ شهریور ۱۳۹۰)

نقش وحدت اسلامی در تشکیل تمدن نوین اسلامی

هسته اولیه تشکیل تمدن نوین اسلامی، وحدت اسلامی است؛ این وحدت نیازمند مجاهدت فراگیر مسلمانان، امید به فضل الهی و استعانت جویی از او، بیداری اسلامی، ترسیم راهبردهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت، تقویت مقاومت، پرهیز از تحجر و ارتجاع، گسترش اخلاق مداری، گسترش نگاه عالمانه به عرصه های گوناگون اجتماعی و در یک کلام، پاسداری از ارزشهای بنیادین نظام اسلامی است.

حلقه اتصال امت اسلامی، مقوله ایمان به خدا و پیامبر اکرم (ص)، قرآن و سنت، محبت اهل بیت، قبله واحد و حج است؛ همدلی و شناخت متقابل مسلمانان از یکدیگر، دوری از توهین به مقدسات یکدیگر، پرهیز از شایعه پراکنی و نفاق، از دیگر عوامل مؤثر در وحدت جوامع اسلامی است که غایت نهایی آن، تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

توصیه خداوند متعال به همه پیامبران برپاداشتن دین و خودداری از تفرقه است:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا: خدا شرع و آئینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که، دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید.» (شوری: ۱۳)

اقامه و برپایی دین و خودداری از تفرقه، مبنای وحدت اسلامی است که جامعه اسلامی را بر اساس فقه تمدن ساز اسلامی راهبری کرده و سرانجام به تشکیل تمدن نوین اسلامی سوق می دهد؛ این حرکت مبتنی بر عقلانیت دینی و بر اساس راهبرد و استراتژی تقریب، چارچوب های فکری و مرزهای جغرافیایی را در می نوردد و همه ملل اسلامی را بر سرخوان گسترده اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) بر اساس مشترکات اسلامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سطح کلان، گرد می آورد.

برای تحقق این مهم، درک تقریبی از معارف کلامی و فقهی اسلامی و تأکید بر مشترکات از سویی و توسعه تعاملات علمی - فرهنگی میان ملل اسلامی بر اساس ارزش های مشترک دینی ضروری است. تشکیل امت واحد اسلامی به معنای حاکمیت فقه تمدن ساز اسلامی برای تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس مصالح جوامع اسلامی و ریشه کنی مظاهر فساد عمومی در آنها است. فقه تمدن ساز

اسلامی با بهره‌گیری از شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، امت اسلامی و بلکه همه بشریت را از جهان‌بینی مادی و ظالمانه می‌رهاند و به سوی نور حقیقی رهنمون می‌شود.

نتیجه‌گیری

غایت «فقه تمدن ساز اسلامی» پیشرفت همه جانبه مادی و معنوی مسلمانان در دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری است که شکوفایی جامعه، رشد و بالندگی مسلمانان و دستیابی آنان به سعادت دنیوی و اخروی را در پی دارد؛ در این میان نقش فقه شیعه در تمدن سازی، هدایت و تکامل زندگی اجتماعی بشر است؛ از آنجا که دین برای اداره زندگی انسان در تمام جوانب آمده است (دین حداکثری) و تمدن برجسته ترین حیثیت زندگی انسان است؛ فقه تمدن ساز اسلامی نیز بر اساس منظومه فکری، پس از جامعه سازی اسلامی باید در گام دوم، وارد عرصه تمدن سازی گردد و پاسخگوی مسائل مستحدثه و موضوعات نوپیدای تمدن نوین اسلامی باشد؛ تمدن نوین اسلامی، با رویکردی کل نگر، غایت امت سازی را پیگیری می‌کند تا آن که امت واحده بر محور امام تشکیل شود. مبانی فقه تمدن ساز تمدن نوین اسلامی یعنی، فطرت توحیدی، عقلانیت و خردورزی، جامعیت دین اسلام، عدالت محوری، نظام امامت و رهبری الهی، امت واحد و قانون فراگیر الهی؛ جامعه ای کلان را تشکیل می‌دهند که مرکب از دو عنصر بنیادین امت و امام است و وحدت این دو عنصر، ریشه اصلی تشکیل تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که نقشی بس عظیم در پویایی، شکوفایی و رشد جامع و همه سو نگر جامعه اسلامی در پی دارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آشوری، داریوش (۱۳۸۱). تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، آگه.

آصفی، محمد مهدی (۱۳۹۳). جهان اسلام و چالشهای معاصر، قم، بوستان کتاب.

_____ (۱۴۳۰). التحديات المعاصرة و مشروع المواجّهة الاسلامیة، قم، مجمع جهانی تقریب

مذاهب اسلامی.

خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰). نرم افزار حدیث ولایت (بیانات و مکتوبات)، مؤسسه کامپیوتری نور، قم.

- _____ (۱۳۹۰). کتاب ولایت، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن مکی عاملی، محمد (شهید اول) (۱۴۱۹). ذکری الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران.
- _____ (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- اختر شهر، رجبعلی (۱۳۸۵). سیاست چیست؟ تهران، کانون اندیشه جوان.
- الهاللی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). کتاب سلیم بن قیس الهاللی، تحقیق و تصحیح: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی.
- امین، احمد (۱۴۲۵). ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی.
- بهورزک، غلامرضا (۱۳۸۶). سیاست و مهدویت، قم، آینده روشن.
- پیشگاهی، زهرا (۱۳۸۰). نگرش ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن. تنوری نظام های فضا- منطقه ای، تهران، دوره عالی جنگ.
- جزایری، سید نعمت الله (۱۳۹۱). فروغ اللغات، قم: شریعت.
- جعفری، ابراهیم (۱۳۹۴) سایت شفقنا، بیست و نهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، دسترسی در: <http://fa.shafaqna.com/news/۸۶۴۷۱/>، ۶ دی ۱۳۹۴.
- حاجتی، میراحمدرضا (۱۳۸۱). عصر امام خمینی، قم، بوستان کتاب.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۷). روش شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
- خصیبه، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). الهدایه الکبری، بیروت، البلاغ.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دائره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۱). الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، قم، مکتب دارالاعلام الاسلامی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). مدارا و مدیریت، تهران، صراط.
- سنایی، مهدی (۱۳۸۹). احیای تمدن ایران اسلامی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۸). فقه سیاسی شیعه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰). منتخب الاثر، قم، مکتب آیت الله صافی گلپایگانی.

- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۱ الف). تمدن زایی شیعی، اصفهان، لب المیزان.
- _____ (۱۳۹۱ ب). آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، اصفهان، لب المیزان.
- _____ (۱۳۹۱ ج). چه نیازی به نبی، اصفهان، لب المیزان.
- _____ (۱۳۹۱ د). مبانی نظری نبوت و امامت، اصفهان، لب المیزان.
- _____ (۱۳۹۰). علل تزلزل تمدن غرب، اصفهان، لب المیزان.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹). تمدن زایی شیعه، اصفهان، لب المیزان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۱). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان، تهران، انتشارات اسلام.
- عاملی، حسن بن زین الدین (۱۳۸۷). معالم الدین و ملاذالمجتهدین، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- عمید، حسن (۱۳۴۲). فرهنگ لغت فارسی عمید، تهران، کتابخانه سینا.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۶۱). محجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، اسلامی.
- قنبری، آیت (۱۳۸۶). اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، قم، زمزم هدایت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱). الکافی، به تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا.
- معینی پور، مسعود و لک زایی، رضا (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (قدس سرّه) و مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، ص ۵۵-۵۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، موسی (۱۳۹۰). تمدن برتر؛ نظریه تمدن بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، اصفهان، آرما.
- _____ (۱۳۹۵). انقلاب فرامردن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.